

وزن در منظومه ترکی آذربایجانی «اصلی و کرم»

محمد رضی نژاد^۱

نادر رسولی^۲

محمد رضا طوسی نصرآبادی^۳

چکیده

مقاله حاضر به بررسی وزن در منظومه ترکی آذربایجانی «اصلی و کرم» می‌پردازد. این داستان شفاهی، سینه به سینه در زبان عاشیق‌های آذری نسل‌ها را طی کرده‌است. با بررسی وزن اشعار منظومه اصلی و کرم، روشن شد که اشعار این منظومه، وزن تکیه‌ای-هجایی دارند و بر اساس نظریه وزنی هیز (۱۹۸۱) قابل تبیین می‌باشند. وزن اشعار براساس تساوی هجاها نیست بلکه بسته به مکث (دوراق)‌هایی است که در فواصل منظم از هجاها تکرار می‌شوند. این اشعار در دو قالب قوشما و گرایلی‌اند. موزون‌ترین زنجیره هجایی آن‌ها، در قالب قوشما ۳+۴+۴ است که شطرهای جفت آن به صورت ۲+۲ متقارنند. موزون‌ترین زنجیره هجایی در قالب گرایلی ۴+۴ است که هردو شطر آن در تقارنند.

کلیدواژه‌ها: وزن شعر، وزن هجایی، زبان ترکی آذربایجانی، اصلی و کرم.

۱. استادیار گروه زبان‌شناسی همگانی دانشگاه محقق اردبیلی

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی دانشگاه پیام نور

۳. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی دانشگاه پیام نور

Email: mohammadrezatusi1@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۸/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۰۶

۱. مقدمه

اصلی و کرم منظومه‌ای عاشقانه است که داستان یک عاشق و معشوق را از خلق عشق تا فنا در عشق با زبانی نرم و لطیف بیان می‌کند. این داستان سینه به سینه در زبان عاشیق‌ها نسل‌ها را طی کرده و به دست ما رسیده است. عاشیق‌ها هرکدام در آن دخل و تصرف‌هایی کرده‌اند. شفاهی بودن منظومه باعث شده است، با اشعاری متفاوت روبرو شویم. برای مشخص شدن و قابل استناد بودن داده‌ها اشعاری را که توسط سید سلامت (۱۳۸۴) گردآوری شده و به صورت منسجم به چاپ رسیده است، مبنا و مورد تحقیق قرار داده‌ایم. بررسی وزن اشعار، با شناخت واج‌های زبان امکان‌پذیر است و به همین دلیل وزن‌شناسی ارتباط بسیار نزدیکی با واج‌شناسی دارد. وزن که برپایه قواعد خاص زبانی پدید می‌آید، برای خود قواعد خاصی خواهد داشت و در هر زبانی براساس خصوصیات واجی آن زبان قاعده و الگوی خاصی خواهد گرفت. وزن، نظم و ترتیب در هجاهای شعر است که با این نظم، شعر از تشر متمایز می‌گردد. نظم اشعار در هر زبان بسته به خصوصیات زبانی متفاوت است؛ به طوری که در زبان فارسی، شمیسا (۱۲:۱۳۷۹) وزن را این‌گونه تعریف می‌کند که «نظم و تناسب خاصی است در هجاهای شعر که مبتنی بر عامل خاصی چون تعداد هجاها، تکیه‌هایی که هجاها دارند، کوتاهی و بلندی و زیر و بمی اصوات می‌باشد». در زبان ترکی، باباپور (۱۳۷۱) وزن را توالی منظم هجاهای تکیه‌دار و بی تکیه می‌داند که این توالی براساس قاعده است و به شعر ضربانگ می‌دهد.

طیب‌زاده (۱۳۸۲) در کتاب "تحلیل وزن شعر عامیانه فارسی"، ساخت وزنی اشعار عامیانه را تکیه‌ای-هجایی می‌داند. وی معتقد است وزن تکیه‌ای-هجایی دارای پایه‌های خاصی است که از ترکیب هجاها به وجود آمده‌اند. وی همچنین متذکر می‌شود که از ترکیب قانون‌مند پایه‌ها با هم شطرها، و از ترکیب شطرها با هم نیز الگوهای وزنی یا مصرع‌ها پدید می‌آیند. پایه‌های وزن تکیه‌ای-هجایی بر اساس تقابل هجاهای بی تکیه (ضعیف) و تکیه‌بر (قوی) پدید می‌آید. از نظر وی، مسأله مهم در تعیین وزن شعر عامیانه، تشخیص پایه‌ها و مخصوصاً شطرهای آن است. پایه، کوچک‌ترین واحد وزنی در شعر عامیانه است که خود مرکب از یک یا چند هجاست. هجاهای پایه با یک تکیه یا ضرب قوی گرد هم می‌آیند و به پایه موجودیت می‌بخشند. از کنار هم قرار گرفتن پایه‌ها شطر پدید می‌آید. ضرب قوی روی آخرین پایه شطر قرار می‌گیرد و مکتبی که به دنبال آن می‌آید از جمله اسباب شکل دادن شطرهاست. از کنار هم قرار گرفتن شطرها، بزرگ‌ترین واحد وزنی شعر عامیانه یعنی مصراع پدید می‌آید. به اعتقاد طیب‌زاده، تعیین پایه‌ها در شعر عامیانه از طریق قرائت متداول این شعر و تشخیص مکتب‌های بلند و کوتاه میان هجاهای مصراع صورت می‌گیرد. به باور وی صرفاً با تکیه بر تقطیع پایه‌ها نمی‌توان تشابه وزنی را میان مصرع‌هایی که اجزای یک قطعه شعر را تشکیل می‌دهند و هم وزن هستند نشان داد. او تصریح می‌کند که نمایش وزن در اشعار عامیانه باید مبتنی بر واحد وزنی بزرگ‌تر یعنی شطر باشد.

ضیامجیدی (۱۳۸۸) اوزان شعر ترکی در اشعار ترکی شهریار را بحث نموده و از دید واج‌شناختی، اشعار ترکی شهریار را مورد بررسی قرار داده است. ایشان دو نوع وزن، وزن عروضی و وزن هجایی را در اشعار ترکی شهریار شناسایی و معرفی و بیان کرده که شهریار هم در وزن عروضی و هم در وزن هجایی اشعاری به زبان ترکی آذربایجانی سروده است. وی به این نتیجه رسیده است که اشعار حیدر بابایه سلام شهریار، قابل تبیین با نظریه وزنی می‌باشد.

طوسی (۱۳۹۴) و طوسی و میرطلایی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای که به بررسی وزن اشعار بایاتی و بشلیک ترکی اختصاص دارد، به این نتیجه رسیده‌اند که وزن اشعار بایاتی و بشلیک ترکی آذربایجانی از نوع تکیه‌ای-هجایی است. یعنی تعداد تکیه‌ها و نیز تعداد هجاها و محل تکیه‌ها در ایجاد وزن در این اشعار نقش دارند. هجاهایی که در جایگاه تکیه وزنی قرار دارند، هجاهای تکیه بر و سنگین هستند و در صورتی که هجای سبک باشند از آن روی که تکیه واژگانی دریافت می‌کنند و در پایان واژه می‌آیند، هجای سنگین محسوب می‌شوند. تفاوت بارز بین این دو نوع وزن به تعداد هجاهای این دو نوع شعر برمی‌گردد که بایاتی‌ها اشعاری هفت (و ندرتاً هشت) هجایی ولی بشلیک‌ها اشعاری ده هجایی‌اند.

پژوهش حاضر به بررسی وزن در منظومه ترکی آذربایجانی اصلی و کرم می‌پردازد و پژوهشی توصیفی است. داده‌های این تحقیق به روش کتابخانه‌ای و بر اساس اشعار موجود در کتاب اصلی و کرم گردآوری شده‌اند. این گفتار در این مسیر قصد دارد به پرسش‌هایی از این قبیل پاسخ دهد که اشعار این منظومه در چه قالب‌هایی سروده شده‌اند؟ و در تقسیم‌بندی رده‌شناختی اوزان در کدامیک از رده‌های وزنی قرار می‌گیرد؟

۲. ویژگی‌های آواشناختی زبان ترکی آذربایجانی

زبان ترکی آذربایجانی شامل ۲۳ همخوان و ۹ واکه به شرح زیر است (حسابگر، ۱۳۷۱: ۷۱):

/P, b, t, d, c, ʃ, s, z, m, n, l, r, j, h, g, x, f, v, ɟ, tʃ, tʃʰ, ʔ/

/u, Y, Ø, O, ε, a, u, I, y/

هجاهای زبان ترکی آذربایجانی نیز پنج نوع است: Cv, CV, CvC, CVC, CvCC

نوع هجا	نوع کمیت هجا	وزن هجا	مثال	ترجمه فارسی
Cv	کوتاه	سبک	Dæ	هم
CV	بلند	سنگین	Su	آب
CvC	بلند	سنگین	GæI	بیا

بخند	gyl	فوق سنگین	بلند	CVC
چهار	dØrd	فوق سنگین	کشیده	CvCC

۳. وزن هجایی

ترانه‌های بومی آذری نظیر بایاتی‌ها، ماهنی‌ها، لایلاها، آغی‌ها، اوخشاماها، سایاها و غیره همگی در اوزان هجایی سروده شده‌اند. این نوع سرودها ساده، ملهم از طبیعت، ملموس و عاری از تکلف و تصنعند و در دو شکل جفت هجایی و فرد هجایی تقسیم می‌شوند. کوتاه‌ترین ترانه‌های جفت، دو هجایی، و بلندترین آن‌ها شانزده هجایی‌اند (رک. باباپور، ۱۳۷۱). نام گذاری اوزان هجایی بر اساس تعداد هجاهاست. مثلاً اشعار، با مصراع‌های هشت هجا، شعر هشت هجایی نامیده می‌شود. این گونه اشعار (هجایی) علاوه بر تعداد هجاها، از نظر تقطیع نیز حائز اهمیت است. اشعاری که یازده هجایی‌اند، می‌توانند به صورت «(۳+۴+۴)» و یا به صورت «(۵+۶)» تقطیع شوند.

((داغلار دومان اولدو - چایلار چیمین اولدو)) یك ترکیب ۲+۴ از ترکیب ۶ تایی است (صدیق، ۱۳۸۸).

da ʔ. l ar./du. m a. nol.du

tΣ a.j. l ar/ tΣi. ma .nol. du

تفاوت در تقطیع براساس جایگاه متفاوت تکیه و مکث کوتاه است، که برآهنگ مصرع می‌افزاید. هیئت درباره قالب‌های هجا در شعر ترکی می‌گوید: «در شعر ترکی اشعار مختلفی از پنج هجایی تا شانزده هجایی وجود دارد. اما قالب‌های ۷، ۸، ۱۱ و ۱۶ هجایی کاربرد بیشتری داشته‌اند. وقتی تعداد هجاها بیشتر می‌شود، آهنگ شعر ضعیف‌تر شده و به نثر شباهت می‌یابد. شعر یازده هجایی در ترکی کاربرد بیشتری دارد» (هیئت، ۱۳۷۶: ۱۶۴).

کوچک‌ترین واحد در تعیین وزن «مصرع» است. در وزن هجایی، هر مصرع از تعداد مساوی هجا بدون در نظر گرفتن رعایت نوع کوتاه یا بلند بودن هجا تشکیل می‌شود و هر مصراع از قسمت‌هایی تشکیل می‌شود که این قسمت‌ها به وسیله تکیه یا مکث‌هایی از هم متمایز می‌شوند. مکث‌ها بسته به کوتاه و بلند بودنشان اجزای مصراع را مشخص می‌کنند. در بیت زیر یک مکث بلند مصراع‌ها را به دو قسمت تقسیم می‌کند.

اثلیمین آدیلا -- باشلاندی سوزوم چیرینندی اورگیم -- ایسلاندی گوزوم

در بیت بالا، مکث بلند با دو خط تیره مشخص شده است. باباپور (۱۳۷۱) هر یک از قسمت‌های مصرع را که با مکث بلند مشخص می‌شوند، «بولگو» می‌نامد که آن را «شطر» (Colon) می‌گویند. «مکث» را باباپور «دوراق» می‌نامد که مکث‌های کوتاه، هجاها را در «بولگوها» نشان می‌دهد. در نظریه هینز هر شطر به دو پایه و هر پایه به دو هجا تقسیم می‌شود. تقسیم شطرها و پایه‌ها براساس مرز واژه یا تکواژ می‌باشد که مکث‌های کوتاه و بلند این مرزها را نشان می‌دهند.

قالب‌های وزن هجایی، بسته به شیوه دستهبندی هجاها به بولگو یا شطرهای سه، چهار، پنج و غیره ایجاد می‌شود. در یک مصراع یازده هجایی سه نوع دستهبندی می‌تواند باشد که این دستهبندی به مکث‌ها (دوراق)‌های موجود در مصراع‌ها بستگی دارد. تکیه در زبان ترکی در هجای پایانی قرار می‌گیرد و معمولاً مرز واژه را نشان می‌دهد. به غیر از چند مورد که مثلاً در قیدها و صورت‌های ندایی و اسم‌های مخاطب تکیه در هجای نخست قرار می‌گیرد.

یک مصراع یازده هجایی بسته به تکیه و مکث‌های موجود، به صورت‌های زیر تقسیم‌بندی می‌شود:

$$۵+۶ \quad \text{و} \quad ۳+۴+۳ \quad \text{و} \quad ۳+۳+۵$$

۴. نظریه وزنی (Metrical theory) هیز

بروس هیز (Bruse Hyes) در مقاله‌ای با عنوان «واج‌شناسی و نظریه وزنی» (۱۹۸۱) به ارتباط واج-شناسی و وزن شعر می‌پردازد و نشان می‌دهد که هر چند قالب‌های وزنی در شعر هر زبان طبق سنتی قدیم شکل گرفته‌است، این قالب‌ها همواره خود را با اجزای واج‌شناختی در شعر نشان می‌دهند. به اعتقاد وی وزن‌شناسی و واج‌شناسی، حوزه‌های بسیار نزدیک و مرتبطی هستند که از برخورد آنها نتایج درخشانی حاصل می‌شود.

به نظر هیز (۱۹۸۱) جالب‌ترین پیشنهاد در وزن‌شناسی زایشی از سوی هله و کيسر (Halle & Keyser) در دهه شصت مطرح شده‌است. به نظر او وزن‌شناسی زایشی، اساساً به مسأله خوش‌ساختی وزنی می‌پردازد و قواعد آن را نمایش می‌دهد. او وزن را یک صورت موزون انتزاعی می‌داند که با نخستین کسانی که در یک سنت وزنی، شعر سروده‌اند، آغاز می‌شود و تمام افرادی که از آن سنت پیروی می‌کنند، به‌ناچار مجموعه‌ای از قواعد تلویحی مربوط به وزن را در ذهن دارند. این قواعد تعیین می‌کنند که کدام زنجیره واجی در زبان آنها نمونه خوش‌ساختی از یک وزن را می‌سازد. این زنجیره‌ها موزون خوانده می‌شوند و زنجیره‌هایی را که از این قواعد پیروی نمی‌کنند، ناموزون می‌نامند. موزون بودن، یک پدیده نسبی است؛ یعنی در میان اشعار موزون نیز برخی اشعار موزون‌ترند.

تعیین سلسله مراتب واحدهای واجی از موضوعات مهم در نظریه وزنی است. این نظریه، شکل‌گیری اجزای واجی در هجاها، هجاها در پایه‌ها (foot) و به همین ترتیب، پایه‌ها در ساخت‌های بالاتر را نشان می‌دهد. در نظریه وزنی، ویژگی‌های آوایی واحدهای واجی، مورد نظر نیستند؛ بلکه بیش از هر چیز ارتباط سلسله‌مراتبی واحدهای واجی اهمیت دارد. این روابط می‌توانند شامل ساخت هجا، گروه‌بندی، تکیه و جز این‌ها باشند. بر اساس این نظریه، ابتدا واحدها با هم ترکیب می‌شوند و هجاها را می‌سازند و سپس ترکیب هجاها پایه‌ها را می‌سازد. پایه، واحدهای بزرگ‌تر از هجا که تنها دارای یک هجای قوی است. تعریف پایه در زبان‌های مختلف متفاوت است، یعنی هر زبانی به شیوه‌ی خاص خود هجاهایش را درون پایه‌ها و پایه‌هایش را درون کلمات انتظام می‌بخشد. پایه‌ها با هم ترکیب می‌شوند و کلمه را می‌سازند و پس از آن به ساخت جمله و واحدهای بزرگ‌تر می‌رسیم. پس از شکل‌گیری پایه‌ها، خود پایه‌ها با هم ترکیب شده واحد بزرگ‌تری به نام شطر

را می‌سازند. شطر واحد وزنی کوچکتر از مصرع است که از یک یا چند پایه تشکیل می‌شود. در مرحله بعد شطرها ترکیب می‌شوند و مصرع را تشکیل می‌دهند. شایان ذکر است که در همه نظام‌های وزنی، واحد شطر وجود ندارد. تا آنجا که به بحث ما مربوط می‌شود، می‌توان به سلسله مراتب آهنگین که در نظریه وزنی بررسی شده‌اند، اشاره کرد. هجاها را درون پایه‌ها، پایه‌ها را درون شطرها و در مرحله بالاتر، شطرها را درون مصرع‌ها نمایش می‌دهیم. با نمایش ساختار وزنی شعر در قالب این نمودار سلسله مراتبی، درجه برجستگی هجاهای مختلف و قواعد مطابقت مخصوص هر وزن را می‌توان بررسی نمود. از آنجا که بیشترین میزان موزون بودن یک شعر، براساس قواعد مطابقت مشخص می‌شود، باید این قواعد را نیز به روشنی بیان کرد و نشان داد که میزان موزون بودن یک شعر و یا دور بودن آن از وزن ایده‌آل تا چه حد است.

طبق این بررسی‌ها، می‌توان اجزای وزنی شعر را روی نمودارهای درختی نشان داد و انطباق آنها را با واحدهای واجی مشخص کرد. برای این منظور ابتدا باید اجزای تشکیل دهنده وزن شعر را شناسایی کرد و سپس به بررسی انطباق آنها با واحدهای واجی پرداخت. هیز برای بررسی دقیق میزان موزون بودن شعر، قواعد مطابقت را معرفی می‌کند که به اعتقاد وی تعیین می‌کنند چه هنگام مواد زبانی یک شعر کاملاً با انگاره انتزاعی وزنی هماهنگ‌اند.

۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها (توصیف اشعار در چهارچوب نظریه‌ی وزنی هیز (۱۹۸۱))

در اشعار اصلی و کرم که در وزن هجایی سروده شده‌اند، سلسله مراتبی وزن رعایت شده است. مصرع‌ها از شطرهایی درست شده‌اند که بر مرز واژه‌ها منطبق هستند و شطرها نیز از پایه‌هایی درست شده‌اند که بر مرز واژه منطبق نیستند و پایه‌ها را نیز هجاها تشکیل داده‌اند.

۱.۵ قالب شعری «گرایلی»

در این قالب مصرع‌ها از هشت هجا تشکیل و از نظر وزنی از الگوی وزنی «(۴+۴)» و «(۳+۵)» استفاده شده‌است. با توجه به مکت کوتاه و تکیه‌وزنی (Ictus) شطرها از هم متمایز شده‌اند و هم بر آهنگ مصرع‌ها افزوده شده‌است.

نمونه‌های زیر در قالب گرایلی می‌باشد.

sub . hən | dɑ . ɣi || f∅ . zu | nɑj . dʊn
(ای کوه سبحان چشمت روشن)

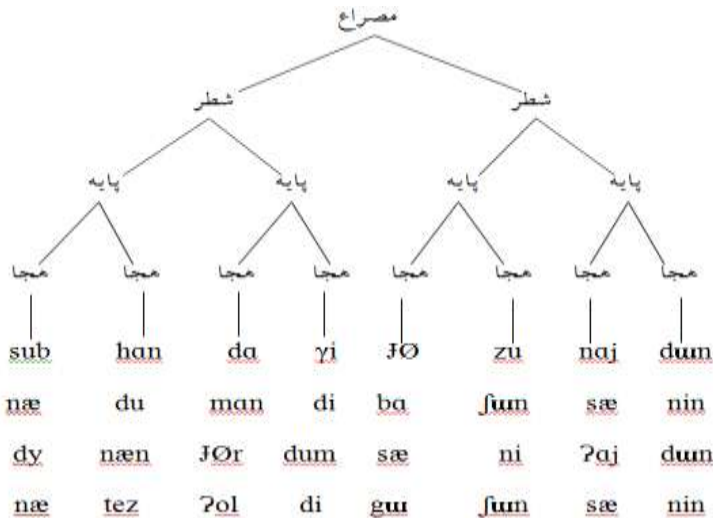
næ . du . mɑn | di || bɑ . fʊn | sæ . nin
(چقدر قله‌ی تو را مه گرفته و غم گین هستی)

dy . næn | f∅r . dum || sæ . ni | ʔɑj . dʊn
(من تورا دیروز شاد و روشن دیدم)

næ . tez | ʔol . di || gu . fʊn | sæ . nin
(نه تنز اولدی قیشین سنین)

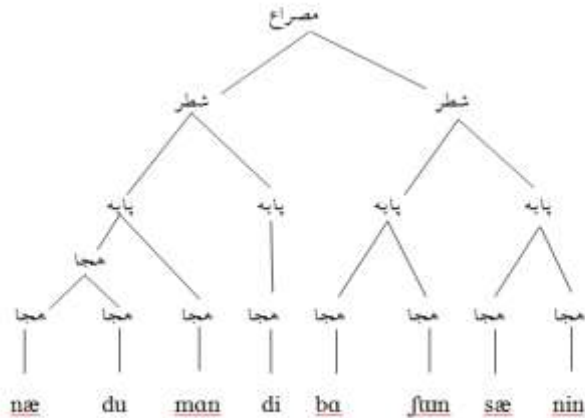
(چقدر زود شادی تو تمام شد و زمستانت فرا رسید)

الگوی «۴+۴» طبق نمودار زیر می‌باشد



نمودار ۱. گرایلی، زنجیره‌ی هجایی (۴+۴)

در الگوی بالا مرز پایه‌ها در پایان تکواژها قرار دارد که آن را با یک خط عمود نشان دادیم. مرز شطرها نیز در مرز واژه‌ها واقع شده‌است. علاوه بر این که در مرز واژه‌ها واقع شده‌است، مکث همراه با تکیه پایانی واژه‌ها، شطر یا بؤلگو را مشخص می‌کند. مصراع‌ها پایان یک گروه نحوی را نشان می‌دهند. این الگو در اشعار گرایلی منظومه اصلی و کرم رعایت شده است؛ یعنی در هر شطر چهار هجا واقع شده است. تفاوتی نیز در پایه‌های مصراع دوم دیده می‌شود که قابل توجیه با نظریهٔ وزنی است. پایه‌ها باید در مرز تکواژی باشند؛ بنابراین دو هجای اولی که پایه را تشکیل می‌دهند، در مرز تکواژ واقع نشده‌اند؛ به این علت که هجای قوی برای ساخت پایه در آنها نیست. بنابراین به هجای سوم که قوی (s) است نیاز داریم و هجای چهارم خودش قوی است و به تنهایی یک پایه را می‌سازد. نمونهٔ آن را در الگوی زیر ملاحظه کنید.



نمودار ۲. گرایلی، زنجیره هجایی (۴+۴)

برای روشن شدن بیشتر موضوع، در مصرع نمونه زیر، واژه‌ها را با استفاده از دو خط موازی و تکواژها را با یک خط موازی و هجاها را با نقطه جدا کردیم. سه هجای اولی یک پایه را می‌سازند و هجای چهارم چون در مرز واژه قرار دارد، دارای تکیه است؛ بنابراین یک هجای قوی محسوب می‌شود و خودش یک پایه را می‌سازد.

næ . du . Man | di || ba . fun | sæ . nin

در نمونه‌های زیر دو خط موازی مرز شطرها را نشان می‌دهد.

ʔæs . cic . ol . maz // pa . dar . ja . ɣar . ja

(این بارش کم نمی‌شود و بی وقفه می‌بارد)

do . Lu . tses . fin // ja . ɣulf . ja . gar . ja

(تگرگ، باران یا برف)

du . man . tsæn . dæ // ʔo . lar . ja . ɣar . ja

ابر در مه می‌آید و می‌بارد)

dʒæ . va . hur . di // da . fun . sæ . nin

(سنگ‌های تو مانند جواهرند)

ʔæ . tæc . læ . rin // bay . di . bos . tan

(دامنه‌های تو باغ و بوستان هستند)

ful . lær . ʔe . dir // be . de . bes . tan

گل‌ها در آن عشوه و ناز می‌کنند)

bul . bul . læ . ræ // bir . dæ . bes . tæn بولبولره بیر دبستان

(برای بلبان مانند یک دبستانی برای گفتگوست)

al . ʔæl . væn . di // dø . fun . sæ . nin آل الواندی دؤشون سنین

(رنگانگ است)

mæn . cæ . ræ . mæm // ʔat . duum . ʔat . duum من کرمم آتدیم آتدیم

(من کرم هستم قدم به قدم)

ʔat . duum . la . duum // dʒa . ni . ʔat . duum آتدیم لادیم جانی آتدیم

گام برداشتم و از جان گذشتم)

dun . ja . ni // ʔy . ræc . dæn . ʔat . duun دونیانی اورکدن آتدیم

(این دلبستگی دنیایی را از دلم بیرون انداختم)

ga . rib . ʔø . tær // gu . fun . sæ . nin قریب اؤتر قوشون سنین

(پرندگان تو چقدر غریبانه از کنارت می گذرند)

در نمونه‌های بالا، شطرها در مرز واژه‌ها قرار دارند که این زنجیره ثابتی را نشان می‌دهد اما در مصرع سوم بند آخر تفاوتی با سلسله مراتبی بقیه وجود دارد؛ یعنی مرز شطر در پایان هجای سوم واقع شده‌است. توجه آن این است که شاعر هر جا لازم می‌داند، اختیار دارد الگوی خود را عوض کند البته در چهارچوب مشخصی مثلاً از ۴+۴ به ۳+۵ عوض می‌کند ولی به ۲+۶ و امثال آن عوض نمی‌کند. این تفاوت ناشی از زنجیره واحدهای وزنی است که در این مصراع الگوی ۳+۵ را نشان می‌دهد؛ ولی در بقیه، زنجیره ۴+۴ رعایت شده و این از اختیارات شاعر است که با توجه به الزامات نحوی و معنایی الگو را تغییر داده. گرایلی شعری با هشت هجاست که در آن دو نوع زنجیره واجی دیده می‌شود. موزون‌ترین آن در منظومه اصلی و کرم ۴+۴ می‌باشد.

۲.۵. قالب شعری «قوشما»

در قالب «قوشما» مصرع‌ها از یازده هجا تشکیل یافته‌است و دارای دو الگوی وزنی از چپ به راست ۳+۴+۴ و ۴+۴+۳ می‌باشد. الگوی وزنی در این نوع قالب به جز چند مورد در همه مصرع‌ها رعایت شده‌است. هر مصرع از سه بؤلگو (شطر) درست شده‌است که در آن شطرها منطبق بر مرز واژه‌ها می‌باشند. یک تکیه وزنی قابل توجه و مکث کوتاه شطرها را مشخص می‌کند. با بررسی نمونه‌هایی از اشعار، الگوی زنجیره واحدهای وزنی را تحلیل می‌کنیم.

ʔæs . li . cøts . dy // væ . tæ . nim . dæn || ʔe . lim . dæn اصلی کوچدو وطنیمدن ائلیمدن

(اصلی از وطن و مردم من کوچ کرد و رفت)

ʔæ . mi . mæ . nim || ʔets . mi . fol . sun || du . fol . sun غمی منیم گنجمیش اولسون، دوش اولسون

(غم و غصه آن، مال من است و از او این غم دور باد)

ʔɑ. di. duʃ. mæz || di. dæn. ʔo. lub || ʔæ. lim. dæn آدی دوشمز دیلدن، اولوب الیمدن

(نام او از زبانم نمی‌افتد)

se. vin. ʔo. nun || dær. di. mæ. næ || tu. fol. sun سونینج اونون، دردی منه توش اولسون

(شادی و سرور مال او، و دردش برای من باشد)

ʔo. da. duʃ. sæm || ʔol. sa. m. di. lim || di. lim. dæn اودا دوششم اولسام دیلیم دیلیمدن

(اگر به آتش بیفتم و یا تکه تکه شوم)

ɑʔ. duun. duʃ. mæz || sø. zyn. duʃ. mæz || di. lim. dæn آدین دوشمز، سوزون دوشمز دیلیمدن

حرف تو و نام تو از دهانم نمی‌افتد. یعنی همیشه از تو حرف می‌زنم)

bal. sy. zy. lær || ʔɑ. duun. ʃæl. sæ || di. lim. dæn بال سوزولر آدین گلسه دیلیمدن

وقتی اسم تو به زبان بیاید دهانم مثل عسل شیرین می‌شود)

sæ. nol. ma. san || ʔy. ræc. ʃɑ. nuum || bø. fol. sun سن اولماسان اورک شانیم بوش اولسون

(اگر تونباشی دلم از همه‌ی دنیا خالی می‌شود)

dæd. li. cæ. ræm || jor. ʔun. ʃe. dær || jo. lu. na ددلی کرم یورغون گندر یولونا

(کرم با دردمندی، راهش را ادامه می‌دهد)

tsæ. tin. ʃæl. mæz || ʔod. ʔol. sa. da || jol. ʔo. na چتین گلمز اود اولسادا بول اونا

(سختی راه را حس نمی‌کند اگرچه راه پر از آتش باشد)

gol. bu. da. ʔuum || bi. rim. bi. rim || jo. lu. na قول بوداغیم بیریم بیریم یولونا

(و در این راه از سختی دست و پایم هم کنده‌شود)

jol. dæn. døn. sæm || zæ. hæ. r. mæ. næ || nu. fol. sun یولدان دؤنسم زهر منه نوش اولسون

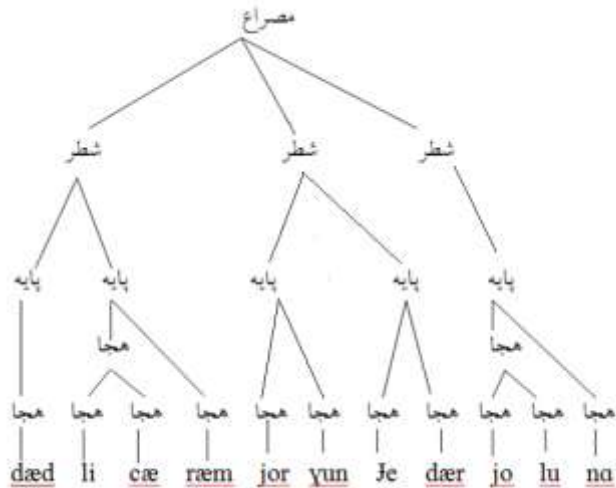
(اگر از این راه عشق برگردم، مثل فرد زهر خورده مرگ مرا فراگیرد)

در این ابیات مرز شطرها منطبق بر مرز کلمه می‌باشد. دو شطر اول چهار هجایی‌اند و تقسیم‌بندی

هجاها در این دو شطر اول به علت زوج بودن، ایده‌آل و متقارن است؛ یعنی ۲+۲ در اکثر موارد رعایت

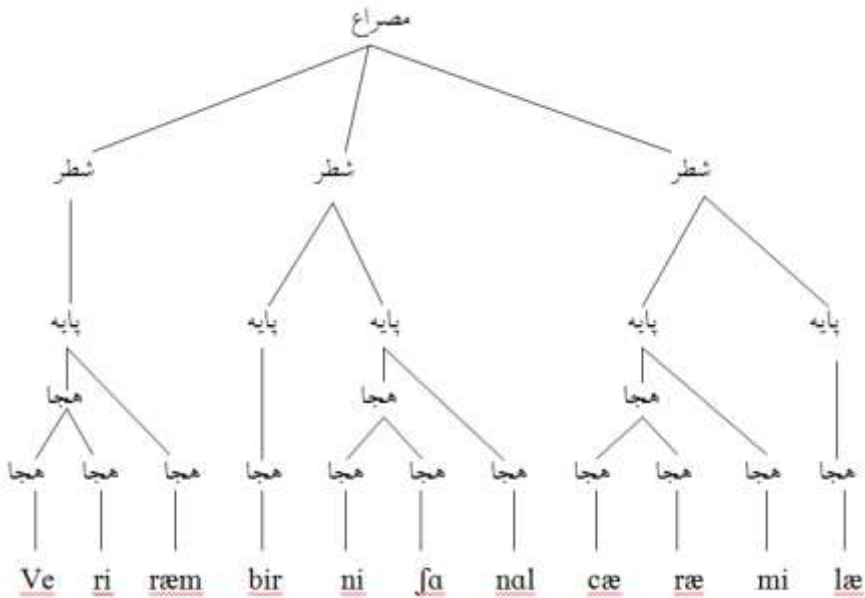
شده‌است. به این شکل که در هر شطر چهار هجایی، یک مکث کوتاه با فاصله دو هجا وجود دارد که تعداد

هجاها در دو طرف مکث یکسان و متقارن است.



نمودار ۳. قوشما، الگوی (۴+۳)

علاوه بر الگوی ۴+۳ الگو و زنجیره‌ی وزنی دیگری نیز وجود دارد که به صورت ۳+۴+۴ می‌باشد، نمودار زیر نمونه‌ای از وزن مذکور را نشان می‌دهد.



نمودار ۴. قوشما، الگوی (۳+۴+۴)

در آوانگاری مصراع‌ها و شطرها را با دو خط عمودی، پایه‌ها را با یک خط عمودی نشان می‌دهیم.

وئریرم بیر نیشان آل کرم ائیله $Ve\ ri\ r\ae m\| bir\ | ni\ f\ae na\l\| c\ae\ r\ae\ mi\ | l\ae$

(یک نشانه‌ای می‌دهم و تو از آن نشانه، دردها و رنج‌های مرا بدان)

در مصرع فوق شطر اول سه هجایی است و چون هجای اول و دوم هجای ضعیف (w) هستند، نمی‌توانند پایه بسازند و برای پایه، وجود هجای قوی (s) لازم است. از آنجا که زبان ترکی از نظر جایگاه تکیه راست‌گراست، یعنی جایگاه تکیه یا در آخر کلمه است یا به طرف راست حرکت می‌کند، بنابراین هجاهای ضعیف به طرف راست یعنی به طرف هجای قوی تمایل پیدا می‌کنند و با هجای قوی همراه شده و یک پایه را می‌سازند. پس دو هجای اولی با یک هجای قوی که در سمت راست قرار دارد، یک پایه را ساخته‌اند و اولین شطر مصرع می‌باشد. هجای چهارم یک هجای قوی است و به تنهایی یک پایه را می‌سازد. هجاهای پنجم و ششم نیز به علت ضعیف بودن با هجای قوی هفتم همراه شده‌اند و پایه را ساخته‌اند. دوباره هجاهای هشتم، نهم و دهم باهم پایه را تشکیل داده‌اند و در آخر هجای یازدهم خود یک هجای قوی است که پایه واقع شده‌است.

۳.۵. یک نکته: قواعد تعیین هجای قوی و ضعیف

در تعیین هجای قوی و ضعیف، موارد زیر ملاک بوده‌است:

- ۱- هر هجایی که در آن تکیه باشد، یک هجای قوی شمرده می‌شود.
- ۲- هجایی که الگوی هجایی آن (CVC) یا (CVCC) باشد، یک هجای قوی شمرده می‌شود.
- ۳- هجایی که آخرین هجای واژه، شطر و مصراع باشد، (چون تکیه در هجای پایانی است) قوی خواهد بود.
- ۴- هجایی که بسته به محیط و جایگاهش با واکه کشیده تلفظ شود، مثل هجای دهم در مصراع اخیر که واکه /i/ کشیده تلفظ می‌شود، یک هجای قوی است.
- ۵- جایی که مکث واقع می‌شود و شطرها را متمایز می‌کند، هجای قبل از آن به علت تکیه‌دار بودن قوی می‌باشد.

۶. نتیجه‌گیری

منظومه اصلی و کرم در وزن تکیه‌ای- هجایی سروده شده‌است. در این منظومه دو نوع قالب شعری وجود دارد: یکی به نام «گرایلی» که از هشت هجا تشکیل می‌یابد و دو نوع الگوی وزنی در آن دیده می‌شود: الف) $۴+۴$ (ب) $۳+۵$. دیگری «قوشما» است که مرکب از یازده هجاست و دو نوع الگوی وزنی $(۴+۴+۳)$ و $(۳+۴+۴)$ دارد. تقطیع هجایی براساس وجود تکیه و مکث است که هجاهای قوی و ضعیف را مشخص می‌کند. در این بیت‌ها مکث نقش اصلی ضرباهنگ و وزن را به عهده دارد. اوزان به کار رفته در این منظومه با نظریه وزنی هیز قابل توجیه است.

سیستم وزنی («تکیه‌ای - هجایی») برای توصیف این وزن در شعر زبان ترکی مناسب‌تر است. در این مورد نظر طیب‌زاده (۱۳۹۰) دتأیید می‌شود. وزن اشعار منظومه اصلی و کرم نیز تکیه‌ای - هجایی می‌باشد. برای توصیف اشعار هجایی قواعدی را مشاهده کردیم که مصرع‌ها به واحدهای کوچکتری به نام شطر تقسیم می‌شوند که در مرز واژه‌ها قرار دارند و شطرها از پایه‌ها تشکیل می‌یابند. مرز پایه‌ها الزاماً در مرز واژه‌ها نیست؛ بلکه در مرز تکواژها قرار دارند و پایه‌ها هم در نهایت به هجاها تقسیم می‌شوند. خوش‌ساخت‌ترین واحد وزنی و زنجیره‌ی واجی در مصرع‌هایی است که تقارن را حفظ می‌کنند. اشعار اصلی و کرم در قالب قوشما با زنجیره $4+4+3$ که شطرهای جفت آن به صورت $2+2$ تقارن را حفظ می‌کنند، خوش‌ساخت‌ترین زنجیره را دارند و در اکثر اشعار این تقارن و الگو حفظ شده است. مواردی هم بود که عدم تقارن وجود داشت و آن به دو علت می‌توانست باشد:

۱. مواردی که مرز پایه طبق قاعده‌ای وزنی جابجا می‌شود.
 ۲. در مواردی که نمی‌توان قاعده‌ی وزنی برای آنها تشخیص داد، بنا بر اقتضای ساخت نحوی و معنایی مرز پایه جابجا شده است (رک. ضیا مجیدی، ۱۳۸۸).
- در بررسی مصرع‌ها و شطرها مواردی که در آنها تعداد هجاها زوج نبودند، به دو صورت ($3+2$) و یا ($2+3$) تقسیم‌بندی انجام گرفته است. این نوع شطرها را به دو صورت توصیف نمودیم: اول اینکه براساس قاعده‌ی واجی و وزنی آرایش هجایی آن را توصیف نمودیم. دوم اینکه ساخت نحوی و معنایی، نوع تقسیم هجایی را تعیین می‌کند.
- وزن هجایی زبان ترکی و اشعار منظومه اصلی و کرم را به خوبی می‌توان در چارچوب نظریه‌ی وزنی توصیف نمود. با نمایش اشعار در نمودار، ساخت سلسله مراتبی آن‌ها را نشان دادیم.

کتاب‌نامه

- باباپور، زین‌العابدین، (۱۳۷۱)، تورکجه شعرین هجا وزنی. تهران.
- حسابگر، احمد، (۱۳۷۱)، نظام آوایی زبان ترکی. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- شمیسا، سیروس، (۱۳۷۹)، آشنایی با عروض و قافیه. تهران: انتشارات فردوس.
- صدیق زاده، علی، (۱۳۸۸)، مبانی آواشناختی وزن در شعر فارسی. ادبستان، (۲۰)، ۶۹-۷۳.
- ضیا مجیدی، لیلا، (۱۳۸۸)، دو نوع وزن در اشعار ترکی شهریار: تحقیقی براساس نظریه‌ی وزنی (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد منتشر نشده). دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.
- طیب‌زاده، امید، (۱۳۸۲)، تحلیل وزن شعر عامیانه فارسی (همراه سیصد قطعه شعر عامیانه و تقطیع آنها)، تهران، انتشارات نیلوفر.

- (۱۳۸۸)، «ساخت وزنی و تکیه‌ی واژه در فارسی؛ پژوهشی براساس نظریه‌ی تکیه‌ی وزنی»، مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، (اول)، ۶۳-۷۸.
- طوسی نصرآبادی، محمدرضا، (۱۳۹۴)، «وزن در بایاتی‌های ترکی آذربایجانی»، نشریه زبان‌شناسی تطبیقی، سال پنجم، شماره نهم، بهار و تابستان ۱۳۹۴، صص ۱۴۹-۱۶۱.
- و میرطلائی، مانده، (۱۳۹۴)، وزن اشعار عامیانه ترکی آذربایجانی، مطالعه موردی اشعار بایاتی و بشلیک، همایش ملی بررسی ادبیات بومی ایران زمین، جهاد دانشگاهی واحد لرستان، ۲۷ اردیبهشت ۹۴.
- هیئت، جواد، (۱۳۸۰)، سیری در تاریخ و لهجه‌های ترکی، تهران: انتشارات پیکان.
- Hayes, B, (1981), A Metrical Theory of Stress Rules. PhD dissertation, MIT.